



## تعداد جوانان سازمان یافته مراد مخدر و فحشا

◆ مجید معتمدی

کشور، از علل اصلی گرایش فزاینده جوانان مواد مخدر است.

امروزه عناصر پخش و خرده فروشی مواد مخدر به صورت منظم و سازمان یافته فعالیت می کنند به گونه ای که علی رغم غیرقانونی بودن این تجارت، فعالیت اعضای آن روال مند و آشکار است.

در حال حاضر برخی از پارکها و اماکن عمومی به محل خرید و فروش (جزء - مشتری) مواد مخدر تبدیل شده اند. دسترسی به انواع مواد مخدر در تمام سطح شهر امکان پذیر است و فروشندگان جزء مواد و مشروبات الکلی تحت عناوین "ساقی" و "کاسب" در سطح شهر و بیشتر در پارکها فعالیت می کنند به این صورت که هر پارک در حیطه فعالیت یکی از سرشاخه های شبکه سازمان یافته توزیع مواد است و این سرشاخه عناصر زیر مجموعه خود را مسئول حضور فیزیکی و شناسایی و جذب مشتری می کند. به طور معمول در هر پارک یک نفر مسئولیت دریافت تقسیم و نگاهداری مواد را بر عهده دارد و در حدود ۵ تا ۱۰ نفر نیز با حضور در منظر دید افراد در فواصل معین، مشتریان را جذب و به وی معرفی و درصدی

معتاد افزوده می شود.

جدا از علل ریشه ای گرایش جوانان به اعتیاد که ریشه در ساخت اقتصادی - اجتماعی کشور دارد، مساله سهولت دسترسی به انواع مواد مخدر در سطح

در حال حاضر تعداد جمعیت معتاد کشور به مرز نگران کننده ای رسیده و روز به روز نیز بر تعداد جوانان معتاد افزوده می شود

تجارت بین المللی مواد مخدر اولین تجارت سودآور جهان است و مافیای مواد مخدر تحت نظارت و هدایت سازمان های امنیتی برخی از کشورهای جهان (بالاخص آمریکا) به فعالیت خود ادامه می دهد. سود سرشار ناشی از تجارت مواد موجب شد که هیچ دولتی (حتی در صورت وجود اراده لازم)، موفق به مبارزه و ریشه کنی این پدیده نشود.

در ایران نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر در اولویت برنامه های مسوولان وقت قرار گرفت و تا به امروز نیز حجم عظیمی از توان انسانی - مالی نیروهای انتظامی صرف حراست از مرزها و مبارزه با قاچاقچیان و مصرف مواد مخدر می شود. با این حال به دلیل عدم برخورد با علل و عوامل اصلی این پدیده (چون بیکاری، شکاف طبقاتی، فقر و نارسایی های اجتماعی - اقتصادی کشور)، این تلاش ها منجر به ریشه کنی و حتی جلوگیری از رشد قاچاق و مصرف مواد مخدر نشده است.

در حال حاضر تعداد جمعیت معتاد کشور به مرز نگران کننده ای رسیده و روز به روز نیز بر تعداد جوانان

از سود فروش را دریافت می‌کنند. این سیستم چنان منطقی، منظم و درهم تنیده فعالیت می‌کند که هیچ فردی خارج از این چارچوب نمی‌تواند به خرید و فروش مواد در سطح شهر بپردازد، مگر آن که با سرشاخه‌ها و قدیمی‌های توزیع مواد در آن منطقه به توافق رسیده باشد. با این شیوه فعالیت علنی آنها و با توجه به گشت روزانه ماموران پاسگاه‌های نیروی انتظامی در سطح محلات حوزه استحفاظی شان؛ شناسایی، برخورد و دستگیری این افراد مشکل و دور از دسترس نیست با این حال به دلیل مشکلات و نارسایی‌های ساختاری کشور چون بحران اشتغال و تمداد زیاد جوانان فعال در عرصه پخش و خرده فروشی مواد مخدر، پر بودن زندان‌ها و نمریخش نبودن برخوردهای فیزیکی در سال‌های گذشته، دستگیری و برخورد صرف فیزیکی با پخش کنندگان مواد تاثیر نداشته است. این گونه بود که بر خلاف سیاست‌های پیشین، از سال‌های گذشته معنادر رسماً به عنوان "بیمار" شناخته شد و معتادانی که داوطلبانه برای ترک مواد به مراکز ترک اعتیاد مراجعه می‌کنند از پیگرد و برخورد فیزیکی مصون می‌مانند.

## پیوند فحشا و مواد مخدر

فحشا و مواد مخدر رابطه مستقیم و دوسویه دارند. کشیده شدن یک فرد به فحشا عموماً به معنای اضافه شدن یک معتاد به سیل معتادان کشور است. از آن طرف نیز برخی از معتادان به دلیل ناتوانی در تامین هزینه اعتیاد خود به فحشا کشیده می‌شوند. بنابراین

همزمان با جهش آمار اعتیاد در کشور، فحشا نیز در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است.

در سال‌های اخیر برخی اماکن به "مبادی ورود و خروج" این زنان تبدیل شده.

به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران، رشد سریع فحشا در سال‌های گذشته، پنهان و غیر قابل پیش‌بینی نبود و زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی کشور، بحران اشتغال، تغییر و گسست فرهنگی در کنار ناتوانی جوانان از کسب درآمد و ازدواج، زمینه‌های گرایش جوانان به برخی رفتارهای جدید را فراهم ساخته است.

به این ترتیب با رشد فحشا در سال‌های گذشته مسوولان به ناچار وجود زنان ویژه و بحران فحشا را پذیرفتند و به تناسب راه کارهایی برای رفع این معضل ارایه شد.

در سال‌های گذشته عموماً دو دیدگاه در خصوص چگونگی برخورد با این پدیده مطرح شده است.

دیدگاه اول که بیشتر متعلق به مسوولان و مدیران دولتی است، ناظر به جمع‌آوری و برخورد فیزیکی با زنان ویژه است و کمتر به ریشه‌یابی و

پیوند بین باندهای سازمان یافته فحشا و مواد مخدر، پدیده اعتیاد و فحشا را وارد مرحله نوین ساخته و باندهای تبهکار حرفه‌ای شکل گرفته‌اند

برخورد اصولی به این پدیده پرداخته است به طوری که در آخرین اظهار نظر دولتی، فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد تا آخر اسفند تمام زنان خیابانی از سطح شهر جمع‌آوری می‌شوند.

دیدگاه دوم نیز به کارشناسان و آسیب‌شناسان باز می‌گردد که علاوه بر جمع‌آوری و تجمیع این افراد، بر حل علل اصلی این پدیده تاکید می‌کنند. با این حال دیدگاهی نیز در بین برخی از کارشناسان و مدیران وجود دارد که گرچه به طور علنی بیان نشده اما ناظر به جمع‌آوری این افراد و محدود کردن فعالیت آنها به محل‌های خاص است که در این زمینه می‌توان به طرح "خانه‌های عفاف" اشاره کرد.

امروزه دختران فراری و زنان فعال در خانه‌های قوادی، هسته اصلی فحشا را تشکیل می‌دهند و قوادان به صورت تلفنی مشتریان خود را به این منازل هدایت می‌کنند.

در این شرایط پیوند بین باندهای سازمان یافته فحشا و مواد مخدر، پدیده "اعتیاد و فحشا" را وارد مرحله نوینی ساخته و باندهای تبهکار حرفه‌ای شکل گرفته‌اند و نیروهای انتظامی نیز جز راه حل‌های مقطعی و برخورد صرف با از رده خارج شدگان این طیف (که بالاچار به طور آشکار به فعالیت می‌پردازند)، راه حلی ارایه نمی‌کنند. به این ترتیب با ادامه وضعیت موجود و ارتباط باندهای تبهکار حرفه‌ای با برخی مراکز، مبارزه و برخورد با این مراکز غیرممکن خواهد بود.

